رسول الله صلی الله علیه وسلم همان گونه که سوره ای از قرآن را به ما می آموخت

از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم همان گونه که سوره ای از قرآن را به ما می آموخت، استخاره در همه ی کارها را نیز به ما آموزش می داد، و می فرمودند: «هنگامی که هریک از شما قصد انجام کاری کرد، دو رکعت نماز نفل بخواند و سپس بگوید: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ العَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلاَ أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلاَ أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي" یا فرمود: «عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي، ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي» یا فرمود: «فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِي الخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ» و فرمودند: «سپس حاجت خود را بگوید». ترجمه ی دعا: «بار الها، از علم تو طلب خیر می کنم و از قدرت تو توانایی می جویم و از تو خواهانِ فضل و بخششِ بی کرانت هستم، به یقین، تو توانایی و من ناتوانم؛ و تو می دانی و من نمی دانم و تو دانای اسراری، یا الله، اگر این کار را به خیرِ دین، دنیا و فرجامِ کار من می دانی، آن را برای من ممکن و آسان بگردان، و اگر آن را برای دین، دنیا و عاقبت کار من زیان بار می دانی، آن را از من دور کن و مرا از انجامش پشیمان بگردان و خیر را هرجا که هست، برایم مقدّر بفرما و آنگاه مرا بدان خشنود کن».

[صحیح] [بخاری روایت کرده]

اگر مسلمانی بخواهد کاری را انجام دهد ولی وجه درست آن را نداند، برای او مشروع است نماز استخاره بخواند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم به اصحابش این نماز را چنان می آموخت، همانطوری که سوره ای از قرآن را به آنان می آموخت، پس دو رکعت نماز غیر از نماز فرض را بجا می آورد، و بعد از آن به الله متعال دعا نموده و می گوید: «الهی من از تو خیر می‌خواهم» با طلب توفیق در خیر هر دو کار، و از تو می‌خواهم «به علم گسترده‌ات» که همه چیز را فرا گرفته است، «و من قدرتت را می‌طلبم» تا این که توانمندم کنی چون هیچ قدرتی و نیرویی جز به وسیله ی تو ندارم، «به توانایی» نافذه ای تو که هیچ چیز بر آن غالب نمی شود، «و از فضل» و احسان «بزرگ» ووسیع تو می خواهم؛ چون عطای تو احسان است از جانب شما، و هیچ کس بر شما حق نعمتی را ندارد؛ «تو بر هر چیزی توانا هستی» در حالی که من ضعیف و درمانده هستم «و من نمی توانم» جز به یاری تو کاری کنم، «و تو می دانی» با علم جامع خود که بر ظاهر و نهان، خیر و شر احاطه دارد، «و من نمی دانم مگر به توفیق و هدایت تو»، « بر امور غیبی علم کامل داری» زیرا تو دارای علم مطلق و قدرت نافذه هستی، و هیچ کس از آن چیزی نمی داند جز آنچه که تو توانایی آن را برایش بخشیده ایید. سپس مسلمان به پروردگارش دعا می کند، و حاجت خود را یاد نموده و می گوید: «الهی من کارم را به تو سپردم، پس اگر بدانی به علم تو که این امر «و حاجتش را نام می برد»، مثل خریدن این خانه یا خریدن این ماشین، یا ازدواج با این زن یا هر چیز دیگر... اگر این کار با علمی ازلی که داری «خیر در دینم باشد» که نگه دارنده ی من از بدی هاست، «و زندگانی ام» در دنیایم، «و عاقبت کارم» و هر آنچه که امورم به آن منتهی می شود، و یا گفت: «عاجل و یا آجل کارم» در دنیا و آخرت باشد؛ «آن را برایم مقدر»، مهیا، و آسان گردان، «و آسان کن»، «سپس برکت ده» و خوبی ها را در آن برایم زیاد کن، و یا الله اگر تو می دانی که این کاری که در آن استخاره نموده ام شر دین و زندگی و پایان کارم باشد، - و یا گفت عاجل و یا غیر عاجل کارم - آن را از من دور کن و مرا از آن دور گردان، و هر جا که خیر باشد آن را برای من مقدر کن» و با همه قضا و فیصله تو که آن را می پسندم و یا نمی پسندم مرا به آن راضی کن.